



#### مقدمه

یکی از وظایف پدران و مادران در تربیت دینی فرزندان، تلاش برای آموزش درست مفهوم خدا به آنان است. این موضوع، هر چند امری ساده و بدیهی به نظر می‌رسد، ولی پیچیدگی‌هایی دارد که نیازمند آگاهی بیش‌تر والدین در به‌کارگیری روش‌های مناسب و رعایت ظرافت‌های مورد نیاز است. در این باره، با واکنش‌های متفاوت والدین روبه‌رو می‌شویم؛ برخی به گمان این‌که همه‌ی اطلاعات لازم درباره‌ی خداوند، در مدرسه به کودک داده می‌شود، از انجام این وظیفه غفلت می‌ورزند. گروهی دیگر اشتغال بیش از حد و اولویت دادن به مسائل مادی و نیازهای کودک را بهانه‌ای برای نداشتن فرصت‌های آموزشی می‌دانند. عده‌ای دیگر از پدران و مادران، ناآگاهی و ناتوانی در پاسخ‌گویی به مسائل خداشناسی کودکان را سبب دوری از چنین موقعیت‌هایی می‌دانند و شمار اندکی از خانواده‌ها نیز با آموزش مسائل دینی در خانه موافق نیستند. در این میان، آنچه اهمیت دارد، این است که - کودکان چه در خانواده‌های مذهبی و چه در دیگر خانواده‌ها - با خداشناسی روبه‌رو هستند و یکی از مهم‌ترین و تکراری‌ترین پرسش‌های آنها، درباره‌ی خداوند می‌باشد. از این رو، لازم است والدین افزون بر محبت به کودکان و پرورش درست آنها، خود را به سلاح دانش و مهارت مجهز نمایند و آمادگی‌های لازم را در پاسخ‌گویی به مسائل معنوی کودکان در خویشتن ایجاد کنند.

نخستین پرسشی که لازم است به آن پاسخ داده شود، این است که آیا ضرورت دارد ما در دوران خردسالی و کودکی، بر خداشناسی فرزندان خود تأکید داشته باشیم؟ به عبارت دیگر، شناخت کودکان از خداوند چه آثاری در زندگی کنونی و آینده‌ی آنها خواهد داشت؟

در آموزه‌های دینی، آشنا ساختن کودک با مفاهیم دینی، راهنمایی کودکان به سوی خداوند متعال و آموزش دین در ابعاد رفتاری، از وظایف والدین شمرده شده است؛ از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله خاطره‌ای نقل شده است که به بعضی از کودکان نظر افکندند و فرمودند: «وای بر فرزندان آخرالزمان از روش ناپسند پدرانشان». عرض شد که ای رسول خدا صلی الله علیه و آله، از پدران مشرک آنها؟ فرمودند: «خیر، از پدران مسلمان که به فرزندان خود هیچ یک از فرایض دینی را نمی‌آموزند و به ناچیزی از امور مادی درباره‌ی آنان قانع هستند. من از این مردم بیزارم و آنان نیز از من بیزارند»<sup>۱</sup>. حضرت علی علیه السلام نیز که در تربیت دینی فرزندانشان اهتمام فراوانی داشتند و الگوهای تربیتی جاودانه‌ای به یادگار گذاشتند، در توصیه‌ای به همگان می‌فرمایند: «به کودکان خود چیزهایی یاد بدهید که به خاطر آن خداوند به آنان بهره برساند...»<sup>۲</sup>. آموزش خداشناسی به کودکان، متناسب با توانایی یادگیری آنان، یکی از بهترین چیزهایی است که پدران و مادران با آموختن آن به کودک، او را در مسیر ارتباط درست با خداوند و دستوره‌های او قرار می‌دهند و از این راه، بهره‌های معنوی فراوانی در زندگی کنونی و آینده‌ی خویش رقم می‌زنند. امام زین‌العابدین علیه السلام در روایتی فرمودند: «پدر باید بداند که در حوزه‌ی ولایت و سرپرستی‌اش، مسئول کودک است؛ باید ادب صحیح را به او بیاموزد و او را به سوی شناخت پروردگار راهنمایی کند»<sup>۳</sup>.

فرزندان ما با فطرت و سرشتی خداجو به دنیا می‌آیند، ولی در مسیر تحول خود، گاهی، به دلیل اطلاعات نادرست یا فضای نامطلوب خانوادگی، دچار انحراف‌های فکری می‌شوند و خدا را به درستی نمی‌شناسند. این تغییر عقیده، هشدار است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایت مشهوری بدان اشاره دارند و می‌فرمایند: «**کل مولود یولد علی الفطره حتی یکون ابواه یهودانه و ینصرانه**»<sup>۴</sup>. کودک با فطرتی خدایی پا به عرصه‌ی جهان می‌گذارد، ولی پدر و مادر او را به سمتی غیرواقعی (مانند اندیشه‌ی تثلیث در مسیحیت یا جسمانیت در یهود) می‌کشانند. در این جمله کوتاه و زیبا، می‌توان پاسخ همه‌ی پرسش‌های بالا را جست‌وجو کرد؛ پدر و مادری که به دلیل سهل‌انگاری، ذهن شفاف و پرسشگر فرزندشان را درباره‌ی خداوند و صفات و کارکردهای او به خوبی پر نسازند، در آینده با کودکانی روبه‌رو می‌شوند که خداوند را اشتباهی و با برداشت‌هایی ناصواب شناخته‌اند یا به گمان دشوار بودن دین و درخور فهم نبودنش به راحتی از آن کناره می‌گیرند و خود را در دام مسلک‌ها و مکتب‌های بدون خدا، گرفتار می‌سازند؛ پدیده‌ی این که امروزه فراوان دیده می‌شود و عوارض اجتماعی و فردی بسیاری بر جوامع انسانی تحمیل کرده است؛ از این رو توجه به خداشناسی کودکان در منزل در حد اعتدال و توانایی والدین، می‌تواند خانه را به نخستین پایگاه خداشناسی تبدیل کند و اطلاعات پایه‌ای به فرزندان منتقل نماید. خانه، نخستین مدرسه‌ای است که رشد معنوی کودک در آن شکل می‌گیرد. والدین نیز نخستین آموزگاران او هستند. آنچه در محیط خانه آموخته می‌شود، غالباً عمیق‌تر و پایدارتر از مطالبی است که در مکان‌های دیگر فراگرفته می‌شود.

## برخی از آثار خداشناسی در زندگی کودکان عبارتند از:

### ۱. افزایش علاقه به خداوند

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲۵.

۲. محمد محمدی ری شهری، حکمت‌نامه کودک، ح ۲۶۸؛ شیخ صدوق، الخصال، ص ۶۱۴، ح ۱۰.

۳. حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۸۹.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳، ص ۲۸۱.

شناخت درست خدا سبب می‌شود که او را دوست بداریم و به آنچه او دوست دارد، عشق بورزیم. این اصلی‌ترین نتیجه‌ی شناخت خدا به شمار می‌رود. وقتی کودک با خداوند، محبت بی‌انتهای او، هدیه‌ها و نعمت‌هایش، قدرت و توانایی‌اش و توجه بسیار او به خود و نیز به جنبه‌های حمایت و مراقبت خداوند از خود و دیگر صفات زیبای خداوند پی می‌برد، نسیمی از مهر خدا را در دل خود احساس می‌کند و می‌کوشد رابطه‌ای دوستانه با او برقرار نماید؛ رابطه‌ای که هیچ محدودیت سنی، مکانی و زمانی ندارد و هر لحظه و هر جا می‌تواند رخ دهد.

شناخت درست خدا، شعله‌ای فروزان در دل و جان کودک ایجاد و زندگی او را زیر نور خود قرار می‌دهد. این علاقه‌ی اولیه، پایه‌ی دین‌داری کودک را مستحکم و خود را در آینده‌ی وی نمایان خواهد کرد. مهم‌ترین یافته‌ی دانشمندان در این زمینه نشان می‌دهد که آموزش دینی باید پرورش عشق به پروردگار را در صدر هدف‌های خود قرار دهد، زیرا با تکیه بر دل‌های آکنده از نور ایمان و عشق به خدا هرگونه تربیت دینی می‌تواند برای کودک معنا بیابد و از عمق و گسترش برخوردار شود. نیرویی که کودک را به سوی خدا می‌کشاند، نمی‌تواند چیزی جز عشق به او باشد. برای توجه بیش‌تر به این مسئله، تمثیل زیر می‌تواند کمک کند:

«پیرمردی به قصد آزمایش سطح فکر سه فرزند خود، از آنها خواست هر کدام به شیوه‌ای که مناسب می‌دانند، انبار خانه را پر سازند و گفت که برنده کسی است که در زمان و با هزینه‌ی کم‌تری بتواند از عهده‌ی پر کردن همه جای انباری بر آید. فرزند اول موفق شد انبار را پر از شن و ماسه کند و حتی دریچه‌های نور را هم مسدود نماید. روز بعد، فرزند دوم توانست در مدت کم‌تری انباری را با کاه پر سازد. نوبت به فرزند سوم رسید. او لحظه‌ای به داخل انباری رفت و برگشت و اعلام کرد که کارش تمام شده است. همگی با شگفتی وارد انباری شدند، ولی آن را خالی یافتند. تنها شمعی در آن روشن شده بود. پیرمرد از فرزندش خواست تا برایشان توضیح دهد. فرزند گفت من شمعی روشن و با نور آن همه جای این مکان را پر کرده‌ام؛ اکنون، همه روزنه‌های این انباری از نور شمع پر شده است.»

پر کردن روح و جان کودک از نور یاد خدا، او را برای همراهی همیشگی با خداوند آماده می‌سازد و در زندگی او نقش انکارناپذیری خواهد داشت.

## ۲. علاقه‌مندی به دستورات خداوند

علاقه به خداوند، با شناخت درست او ایجاد می‌شود و این مقدمه‌ای برای علاقه به تمام خواسته‌ها و دستورهای خداوند است. هنگامی که فرزندمان با خدایی آشنا شد که همه‌ی کارهایش حکیمانه و عالمانه است و بیش از هر کس دیگری به ما محبت دارد، می‌پذیرد که برنامه‌های پیشنهادی او هم که به نام دین و دستورات دینی به ما رسیده، بهترین و دوست‌داشتنی‌ترین راهنما است و می‌تواند خوشبختی و سعادت انسان را رقم بزند. با مقدمه‌سازی در دوران کودکی، انجام دستورهای دینی برای کودک در سنین بالاتر، نه تنها کاری دشوار نخواهد بود، که فرصتی است برای نزدیکی بیش‌تر به خداوندی که سال‌ها مهر او را در دل داشته و در انتظار فرارسیدن روزهای رسمیت یافتن این ارتباط بوده است.

بر اساس این گفته‌اند که تربیت دینی در سال‌های پیش از دبستان، محدود به ایجاد انس به مسائل دینی است، به این معنا که کودک با آنچه به طور منظم در محیط خانواده می‌بیند، انس می‌گیرد و این انس اولیه، زمینه را برای پیدایش عادت و انجام فرایض دینی در مراحل بعدی فراهم می‌آورد. نخستین سنگ‌بنای تربیت دینی و الهی کودک، در این سال‌ها بنا نهاده می‌شود.

### ۳. مقدمه شکوفایی دیگر فضائل

شناخت درست خداوند و احاطه و مهر او بر آفریده‌هایش، زندگی را برای کودک معنادار و لذت‌بخش کرده، جرقه‌های اولیه‌ی خوب بودن و خوب ماندن را در او شکل می‌دهد. کودکی که با خداوند خوبی‌ها آشنا می‌شود، می‌کوشد برای تقویت دوستی خود، سنخیت لازم را به وجود آورد و در مسیر بهتر شدن گام بردارد. اگر پدر و مادر، فطرت خدانشناسی و خداجویی را در کودک زنده و شکوفا سازند، به دنبال آن، تمام ارزش‌های معنوی و فضایل اخلاقی دیگر زنده خواهد شد. اعتقاد به وجود خالق و آفریننده‌ای که ناظر بر اعمال ماست، همواره کودک را در برابر گناهان و زمینه‌های انحرافی حفظ خواهد کرد و هر قدر این اعتقاد قوی‌تر باشد، ایمنی فرزند بیش‌تر خواهد بود. چنین شناختی، مقدمه‌ی دیگر مراحل دین‌داری در کودک است و هر قدر درست‌تر و آگاهانه‌تر ایجاد شود، نقش مؤثرتری در آینده دینی فرزند خواهد داشت.

### ۴. پرورش احساس مسئولیت درباره خدا

یکی از آثار خدانشناسی کودکان، پرورش احساس مسئولیت درباره‌ی خداوند است. کودک خدانشناس، خود را مسئول رفتارهایی خویش می‌داند و می‌کوشد رفتارهای خود را به گونه‌ای تنظیم کند که بیش از پیش از محبت و موهبت‌های خدا برخوردار شود. چنین کودکی، چون با خدای ناظر و آگاه به همه مسائل آشناست، معمولاً در مقابله با کودکان دیگر، از کارهای بد بیش‌تری پرهیز می‌نماید و در بروز رفتارهای خوب و مثبت، سرعت و جهش بیش‌تری از خود بروز می‌دهد. احساس مسئولیت سبب می‌شود تا در آینده دچار مشکلات اجتماعی و آسیب‌های کم‌تری شود و در رویارویی با محرکات محیطی، مقاومت نماید. به همین دلیل، گفته‌اند که لازم است مربی از دوران کودکی حس مسئولیت طفل را در پیشگاه پروردگار بیدار نماید و او را وظیفه‌شناس بار آورد. لازم است با زبان ساده به کودک فهماند که خداوند در هر حال او را می‌بیند، از کارهای خوب و بدش آگاه می‌باشد و چیزی از خداوند پنهان نیست.

### ۵. افزایش ایمان

ایمان، متناسب با آگاهی درباره‌ی خدا رشد می‌یابد. ایمان کودک با افزایش آگاهی او درباره‌ی خدا تقویت می‌شود. راه‌های مختلفی که والدین برای آشناسازی کودک با خداوند پیش می‌گیرند، مانند خواندن کتاب آسمانی (قرآن)، طبیعت، هنر، عبادت و لحظات خلوت و تنهایی، سبب می‌شود کودک چنین فضای معنوی را بهتر تجربه کند و به مرور زمان عطش بیش‌تری برای گرایش به ایمان و معلومات دینی از خود نشان دهد.

### ۶. برخورداری از سلامت روان

آشنایی کودک با خدا و ویژگی‌های منحصر به فرد او، سبب می‌شود خود را تنها و رها نبیند و همیشه توان بهره‌مندی از قدرتی بالاتر را در خود احساس کند. این امر توانمند شدن کودکان در زندگی و مسائل مربوط به آن را موجب می‌شود. چنین کودکانی، هنگامی که با مشکلات سخت و مصایب سنگین روبه‌رو شوند، موفق‌تر از کودکان دیگر خواهند بود و توانایی معنادار کردن مشکلات را دارند. کودکی که با خدا آشناست، هیچ‌گاه احساس پوچی نمی‌کند. همچنین در جای‌جای زندگی‌اش تکیه‌گاه محکمی خواهد داشت و با بهره‌مندی از این تکیه‌گاه، در برابر مشکلات استقامت می‌کند. به همین دلیل گفته شده است زمانی که برادران یوسف علیهم‌السلام او را در چاه انداختند،

یوسف علیه السلام نه ساله بود. وقتی کاروان از کنار چاه گذشت و یکی از کاروانیان یوسف را دید، صدایش را بلند کرد و گفت: «بیایید و به این کودک غریب و تنها کمک کنید». وقتی یوسف، این تربیت‌شده‌ی دینی، سخن او را شنید، گفت: «انسانی که با خداست، هیچ‌گاه غریب و تنها نیست».

برخورداری از آرامش بیش‌تر، دور شدن از اضطراب‌ها، داشتن پشتیبان در تمام مراحل زندگی، توانایی برقراری ارتباط با نیروی برتر، دوستی با خدایی که همه‌ی خوبی‌ها را دارد، برخوردار شدن از برنامه در زندگی، هدمندی، کانون توجه بودن و دیگر مسائل سبب می‌شود کودک خداشناس، از بهداشت روان مطلوبی برخوردار باشد. سرانجام این‌که پدران و مادرانی که از ابتدا فرزند خود را خداپرست بارآورند، از سویی اساس سعادت او را به پاکی پی‌ریزی کرده و از سویی دیگر، نخستین و مهم‌ترین وظیفه خود را در تربیت به خوبی انجام داده‌اند.

### منابع:

- امینی، ابراهیم، تربیت، قم، بوستان کتاب، چ ۱، ۱۳۸۱ش.
- بیابانگرد، اسماعیل، راهنمای والدین و معلمان در تربیت و آموزش کودکان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۳، ۱۳۷۸ش.
- دادستان، پریخ، هجده مقاله در روان‌شناسی، تهران، سمت، چ ۱، ۱۳۸۶ش.
- سادات، محمد علی، رفتار والدین با فرزندان، تهران، انجمن اولیا و مربیان، چ ۵، ۱۳۷۶ش.
- فلسفی، محمدتقی، کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۱، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۱، ۱۳۷۸ش.
- محمدی ری‌شهری، محمد، حکمت‌نامه کودک، مترجم و همکار: عباس پسندیده، قم، دارالحدیث، چ ۲، ۱۳۸۷ش.